



موسسه علوم انسانی

رشته: مدیریت سیاست گذاری عمومی

مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت سیاستگذاری عمومی

عنوان:

شخصیت حقوقی سازمان ها و احکام مربوط، با توجه به فتاوی

مقام معظم رهبری

استاد راهنما: حضرت حجة الاسلام والمسلمین دکتر حسن رضایی

نگارنده: جواد رضایی

تیرماه ۱۳۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تاریخ: ۱۳۹۷/۷/۱۹

شماره: ۱۱۵۵۱۶۷

معاون آموزش - اداره کل پشتیبانی آموزش

«تاییدیه اعضای هیئت داوران جلسه دفاع پایان نامه کارشناسی ارشد»

دارای کد تحصیلی: ۱۱۵۵۱۶۷

جواد رضایی

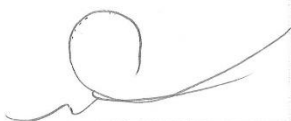

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای

با عنوان:

مدیریت سیاستگذاری عمومی

شخصیت حقوقی سازمانها و احکام مربوط با تاکید بر فتاوی مقام معظم رهبری

را از نظر شکلی و محتوایی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کند.

امضا	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	هیئت داوران
		استاد حسن رضایی	استاد راهنما
	استادیار	استاد محمد رضا رحیمی	استاد داور

معاون آموزشی جامعه المصطفیٰ العالمیہ

تاریخ و امضا

«مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه به عهده نویسنده است.»

تقدیر و تشکر:

من لم یشکر الخالق لم یشکر المخلوق

خداوند متعال را سپاس می گویم که با استعانت از حضرتش با تلاشی در خور توان و در حدی که وقت اجازه می داد مراحل پژوهش و نگارش این پایان نامه را به اتمام رسانیده ام. اکنون که در راه اتمام این مقطع تحصیلی قرار گرفته ام بر خود لازم می دانم از تمامی اساتید محترم و گرانقدر خود به ویژه **حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب دکتر حسن رضایی (دام غدا علی)** و **حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب دکتر حسن رضایی (دام غدا علی)** که با ارشادات و راهنمایی های دلسوزانه خویش راهگشای بسیاری از تنگناها و غموض این تحقیق بودند نهایت تشکر و سپاسگزاری را نمایم.

چکیده:

از نیازهای حیاتی جوامع کنونی اعتبار داشتن شخص حقوقی در کنار اشخاص حقیقی است. علیرغم پذیرش اصل اهلیت شخصیت حقوقی در منابع فقهی و وجود مصادیق آن در دوره تشریح و پیش از آن در منابع فقه استدلالی گذشته، نگاه مستقلى به این موضوع صورت نگرفته و فقط در دوره معاصر به دلیل گسترش چشم گیر و حیاتی سازمان ها و ممزوج شدن زندگی بشر با سازمان ها و آبر سازمان ها در جوامع و این که می بایست شخصیت حقوقی برای سازمان ها در نظر گرفته شود تا بتوانند رسالت های سازمانی خود را در قبال افراد و اشخاص به نحوی جامع و بی دغدغه انجام دهند نیاز به تاسیس شخصیت حقوقی سازمان ها کم و بیش به آن توجه شده است. در این نوشتار در کنار بررسی و اثبات شخصیت حقوقی به لحاظ فقهی (با تاکید بر فتاوی مقام معظم رهبری مدظله) و حقوقی به احکام و تکالیف شخصیت حقوقی و بعد سازمانی آن نیز پرداخته شده است. البته به اختلاف نظر بین فقها در باب اهلیت شخص حقوقی نیز پرداخته شده است، هر چند با وجود ادله متعدد بر اثبات اهلیت شخصیت حقوقی وجه اثبات را پذیرفته ایم و پیرامون این مبنا موضوع را در مورد آثار و تکالیف شخصیت حقوقی سازمان ها من جمله مالکیت و ضمان و کیفر و تابعیت و مکان آن، در حد این نوشتار منقح نموده ایم. در حقیقت حاصل این نوشتار این است که تمام احکام و تکالیف شخصیت حقیقی بجز اعمالی که برای شخص حقوقی غیر ممکن است می تواند برای شخص حقوقی و سازمان متصور گردد.

واژگان کلیدی: سازمان_شخصیت حقوقی_مدیریت_فقه.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول (کلیات و مفاهیم).....
۲.....	مقدمه.....
۴.....	بیان مسأله.....
۸.....	ضرورت تحقیق.....
۹.....	سوال اصلی.....
۹.....	سوالات فرعی.....
۹.....	۱- تعریف مفاهیم کلیدی.....
۹.....	۱-۱) مفهوم سازمان.....
۱۱.....	۱-۲) مفهوم مدیریت.....
۱۳.....	۱-۳) مفهوم شخصیت حقوقی.....
۱۵.....	۱-۴) مفهوم فقه.....
۱۶.....	۱-۴-۱) معنای لغوی فقه.....
۱۷.....	۱-۴-۲) معنای اصطلاحی فقه.....

پیشینه تحقیق..... ۲۰

فصل دوم..... ۲۳

(ادبیات نظری پیرامون شخصیت حقوقی سازمان ها و تجزیه و تحلیل آن ها)

ارتباط علم حقوق با سازمان و مدیریت..... ۲۴

۱- انواع نظام های حقوقی و تقسیمات حقوق..... ۲۵

۱-۱) نظام های حقوقی سکولار..... ۲۵

۱-۲) نظام های حقوقی دینی - آسمانی..... ۲۶

۲- تقسیمات حقوق..... ۲۷

۲-۱) حقوق عمومی..... ۲۷

۲-۲) حقوق خصوصی..... ۲۸

۲-۳) حقوق بین الملل..... ۲۸

۳- راه های تشخیص اشخاص حقوقیِ حقوق عمومی از اشخاص حقوق خصوصی..... ۲۸

۳-۱) فایده تشخیص این تقسیمات..... ۲۹

۴- علل و فوائد پیدایش نظریه شخص حقوقی..... ۳۰

۴-۱) علل پیدایش نظریه شخص حقوقی..... ۳۱

۴-۲) فایده پیدایش نظریه شخص حقوقی..... ۳۳

انواع اشخاص حقوقی..... ۳۴

- ۳۷.....۵- بررسی اعتباری یا حقیقی بودن شخص حقوقی.....
- ۳۷.....(۵-۱) نظریه حقیقی بودن شخصیت حقوقی.....
- ۳۹.....(۵-۲) نظریه اعتباری بودن شخصیت حقوقی.....
- ۴۱.....۶- مبانی و ماهیت های حقوقی شخصیت حقوقی.....
- ۴۱.....(۶-۱) نظام آلمانی.....
- ۴۳.....(۶-۲) نظام مالکیت جمعی.....
- ۴۴.....(۶-۳) نظام خیالی-سستی fiction.....
- ۷- بررسی مبانی شخصیت حقوقی سازمان ها در منابع فقهی و حقوق اسلامی و نظرات مقام معظم رهبری.....
- ۴۵.....
- ۴۵.....(۷-۱) بررسی منابع فقهی.....
- ۴۵.....(۷-۱-۱) رد شخصیت حقوقی.....
- ۴۶.....(۷-۱-۲) اثبات شخصیت حقوقی.....
- ۴۹.....(۷-۱-۲-۱) اعتبار سیره و ارتکاز عقلاء.....
- ۵۲.....(۷-۱-۲-۱-الف) استوار سازی استدلال به سیره و ارتکاز عقلاء.....
- ۶۲.....(۷-۱-۲-۱-ب) بررسی اعتبار سیره های جدید.....
- ۶۶.....(۷-۱-۲-۲) اعتبار اطلاعات و عموماً.....
- ۷۵.....(۷-۱-۲-۳) نمونه هایی متاخر، از احکام تکلیفی ناظر بر سازمان های مکلف.....
- ۷۸.....(۷-۲) بررسی منابع حقوقی.....
- ۸۹.....۸- آثار مترتب بر شخصیت حقوقی سازمان ها.....
- ۹۱.....(۸-۱) مسئولیت اشخاص حقوقی.....
- ۹۵.....(۸-۱-۱) مقدمات پذیرش مسئولیت برای اشخاص حقوقی.....
- ۹۵.....(۸-۱-۱-۱) مالکیت شخصیت حقوقی (مالکیت سازمان ها).....

- ۹۹.....(۸-۱-۱-۲) اقامتگاه شخصیت حقوقی (اقامتگاه سازمان ها)
- ۱۰۰.....(۸-۱-۱-۳) تابعیت اشخاص حقوقی (تابعیت سازمان ها)
- ۱۰۱.....(۸-۱-۲) مسئولیت کیفری شخصیت حقوقی
- ۱۰۲.....(۸-۱-۲-۱) شخصیت حقوقی و قابلیت انتساب جرم
- ۱۰۳.....(۸-۱-۲-۱-الف) نظریه مسئولیت نیابتی
- ۱۰۴.....(۸-۱-۲-۱-ب) نظریه شخصیت ثانویه (مسئولیت مستقیم)
- ۱۰۶.....(۸-۱-۲-۱-ج) نظریه تقصیر جمعی (تجمع یا انباشتگی)
- ۱۰۶.....(۸-۱-۲-۱-د) نظریه سیاست شخصیت حقوقی
- ۱۰۸.....(۸-۱-۲-۲) ضوابط عام مسئولیت کیفری شخصیت حقوقی
-(۸-۱-۲-۳) مبانی نظری مسئولیت یا
- ۱۰۸.....عدم مسئولیت کیفری شخصیت حقوقی
- ۱۲۰.....(۸-۱-۲-۴) جرایم قابل انتساب به شخصیت حقوقی
-(۸-۱-۲-۵) ضوابط خاص مسئولیت
- ۱۲۴.....کیفری شخصیت حقوقی (حقوق خصوصی)
- ۱۲۴.....(۸-۱-۲-۵-۱) مسئولیت کیفری پیش از تشکیل شرکت (سازمان)
- ۱۲۶.....(۸-۱-۲-۵-۲) مسئولیت کیفری شرکت در مدت تسویه
- ۱۲۷.....(۸-۱-۲-۵-۳) مسئولیت کیفری شرکت در حالت ادغام و تبدیل
- ۱۲۸.....(۸-۱-۲-۶) مستثنیات مسئولیت کیفری شخصیت حقوقی (حقوق عمومی)
- ۱۳۱.....نتایج مدیریتی پذیرش شخصیت حقوقی بر سازمان ها از نگاه فقهی
- ۱۴۱.....فصل سوم (روش تحقیق مرتبط با عنوان)
- ۱۴۲.....مفهوم تحقیق
- ۱۴۴.....مفهوم روش در تحقیق

۱- طبقه بندی تحقیق بر حسب روش.....	۱۴۹
۱-۲) تحقیق توصیفی.....	۱۴۹
۱-۳) تحلیل محتوا.....	۱۵۰
۲- گردآوری داده‌ها و اطلاعات.....	۱۵۲
روش تحقیق مورد استفاده.....	۱۵۲
روش مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات.....	۱۵۳
فصل چهارم (تحلیل یافته‌ها).....	۱۵۵
فصل پنجم (نتیجه گیری).....	۱۶۰
فهرست منابع.....	۱۶۴

فصل اول

کلیات و مفاهیم

مقدمه:

تمامی قواعد و مفاهیم حقوقی و مدیریتی که امروزه به صورت درختان تنومند جلوه گر می شوند، و به مرور زمان نیازها و ضرورت ها آنها را ایجاد و مستحکم کرده است، مفاهیم تابع قانون تکامل و مشمول قوانین تطّور و تحوّلند. این مفاهیم در بستر تاریخی زمان از حالت ابتدایی و ساده خود خارج شده و به صورت تکامل یافته و پیچیده فعلی ظاهر گشته اند، مفهوم شخصیت حقوقی از جمله این مفاهیم اند اگر از عنوان شخصیت حقوقی به معنای وسیع امروزی آن در جوامع ابتدایی سراغ بگیریم چنین عنوانی را با این اوصاف در آن جوامع نمی توان یافت. ولی فکر شخصیت حقوقی در جوامع اولیه بشری به صورت ابتدایی و نیمه متبلور وجود داشته است. اشخاص به دو صورت موجودیت پیدا می کنند، یکی به صورت طبیعی مانند افراد انسان که متولد می شوند و زندگی می کنند و می میرند که این گونه افراد اشخاص حقیقی نامیده می شوند. نوع دیگر به صورت اعتباری یا حقوقی وجود می یابند. بدین معنا که مردم برای عنوانی که اعتبار کرده اند، اگر چه در خارج ذهن وجود طبیعی نداشته باشد شخصیت قائل می شوند که این نوع شخصیت را با وصف حقوقی بیان می کنند. اما مفهوم سازمان به معنای ابتدایی و بسیار ساده آن از دیر باز و قدیم الایام وجود داشته است چراکه حداقل مفهوم سازمان بر خانواده که شالوده سازمان بزرگی همچون جامعه است از همان ابتدا و در جوامع ابتدایی وجود داشته است. جامعه شناسان از خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی نام می برند^۱ در واقع جامعه شناسان خانواده را قدیمی ترین و اولین واحد اجتماعی انسانی می دانند؛ چه آنکه در همه ادوار تاریخ، انسان همواره ناگزیر از زندگی در خانواده بوده که کوچکترین این واحد متشکل از اجتماع تنها دو نفر یعنی زن و شوهر ناشی از ضرورت طبیعی بوده است. و مسلماً کوچکترین واحد اجتماعی

۱. محسنی، منوچهر، مقدمات جامعه شناسی، تهران، بی نا، ۱۳۷۱، ص ۴۰۱.

یعنی خانواده دارای حقوق و تکالیفی است یعنی از شخصیت حقوقی برخوردار است.^۱ با پیشرفت جوامع بشری، تشکیل دولت و پیدایش سازمانهای بزرگ و پیچیده تر نسبت به گذشته و نیز توسعه روابط در تمام عرصه های زندگی بشر می طلبد که این روابط و این سازمان های پیچیده در کنار اشخاص حقیقی تشکیل دهنده و بوجود آورنده شان دارای حدود و حقوق و تکالیف متقابلی باشند بدین ترتیب در کنار انسانها یا همان اشخاص حقیقی موضوعات دیگری همچون سازمان های بزرگ و کوچک بوجود آمدند و از حقوق و تکالیفی و نیز نوعی شخصیت بهره مند گردیدند.

با توجه به تحولاتی که در عرصه روابط اجتماعی و پیچیده تر شدن بیش از پیش این روابط و پیدایش آبرسازمانها بنابر نیاز اجتماع همچون دولت ها و نیز موسسات و سازمان ها و تشکیلات دولتی به عنوان شخصیت حقوقی حقوق عمومی و شرکت های تجاری و موسسات غیر تجاری به عنوان اشخاص حقوقی حقوق خصوصی قوانینی برای تنظیم روابط فیما بین این سازمانها و نیز روابط این سازمان ها با اشخاص حقیقی مرتبط با آنها ایجاد گردد. مکتب اسلام به ویژه مذهب امامیه با توجه به داشتن قوانین فقهی جامع و در عین حال پویای خود به این مساله پرداخته است و در این باب مصادیق و احکامی را دارد.

نکته ای را که می بایست در ابتدای این نوشتار می بایست عارض آن شوم توضیح مختصری در باب واژه اهلیت و صلاحیت است که در طول این تحقیق مکررا به آن بر خواهیم خورد.

در ترمینولوژی حقوق، صلاحیت را اختیار و استحقاق در امری که قانون برای مأمور اداری یا قضایی معین کرده تعریف کرده اند.^۲ و در حقوق اداری ایران صلاحیت

۱. صفایی حسین، قاسم زاده مرتضی، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، تهران، سمت، چاپ دهم ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵.

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۲۳۵۵.

غالباً در قالب تکلیف و یا در قالب اختیارات تعریف شده و گفته شده است صلاحیت مجموع اختیاراتی است که به موجب قانون برای انجام اعمال معینی به مأمور دولت داده می شود.^۱

می توان از اهلیت به عنوان شایستگی شخصی برای دارا شدن و اجرای حق و تکلیف نام برد.^۲ شایستگی دارا شدن حق و تکلیف را اهلیت تمتع و شایستگی اعمال و اجرای حق و تکلیف را اهلیت استیفاء می نامند که این دو اهلیت هم در مورد اشخاص حقوقی اعم از خصوصی و عمومی و هم حقیقی وجود دارد.

بیان مساله:

در اسلام گویا شخص حقیقی ذکر نشده، مفهوم و مصداق آن وجود دارد. و فقها به غالب نتایجی که امروز از وجود شخص حقوقی حاصل می شود رسیده بودند چنانکه مساجد و مدارس و بیمارستان ها و در مجموع اوقاف دارایی داشته اند و می توانستند از طریق متولیان خود قرارداد منعقد نمایند و مدعی و یا مدعی علیه واقع شوند و آنچه امروز به اشخاص حقوقی حقوق عمومی تعبیر می نمایم جامعه اسلامی و بیت المال مسلمین از این قبیل عناوین داشته اند.

در فقه و حقوق اسلام از شخص و شخصیت حقوقی خبری نیست نه بدان جهت که فقه یا فقهاء با آن ناآشناوند بلکه این امر از آن جهت است که واژه های شخص و شخصیت به معنایی که بیان شد از حقوق اروپایی وارد حقوق ما شده است اما می توان گفت در فقه اسلامی به جای آن که با واژه شخصیت یا شخصیت حقوقی اهلیت و صلاحیت اعتباری یک موضوع را نشان دهند با استفاده از واژه ذمه مقصود خود را می رسانند یعنی اصطلاح

۱. طباطبایی مومنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران، سمت، ۱۳۹۰، ص ۴۶۱.

۲. صفائی، حسین و قاسم زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی (اشخاص و مجبورین)، ص ۱۹۹. جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۹۷.

ذمه جای شخصیت یا شخصیت حقوقی را گرفته است. چنان که جهت یا جهت عامه جای شخص حقوقی را گرفته است. مثلاً وقتی می خواهند شخصیت حقوقی وقف یا موضوعاتی از این قبیل را برسانند می گویند مسجد یا بیت المال از جهات عامه هستند. بنابراین در فقه اسلامی بجای شخص حقوقی جهت عامه و بجای شخصیت یا شخصیت حقوقی نظریه ذمه مطرح شده است.^۱

حقوق اسلام برای اشخاص حقوقی نیز حقوق و تکالیفی شناخته است. مساجد، بیمارستان ها، مدرسه ها، ودانش سراها و مانند آن برای برخورداری از حقوق و انجام تکالیف و تعهدات اهلیت دارند و مستقیم و مستقل می توانند هم دارای اهلیت برخورداری (تمتع) شوند و هم از رهگذر متولی یا ناظر یا سرپرست و مدیری که برایشان تعیین می شود و حقوق و تکالیف خویش را اعمال و اجرا کنند.^۲

اما در باب سازمان ها از آنجا که ادامه زندگی انسانی بدون وجود سازمان و تشکیلات امکان ندارد چرا که همانگونه که در مقدمه به این مساله اشاره شد در آن روزی که انسان پا به عرصه وجود نهاد و زندگی خویش را آغاز نمود، به گونه ای فطری نخستین سازمان را با نام خانواده تشکیل داد، اعضاء این سازمان پدر و مادر و فرزندان بودند که اموری از قبیل تولید نسل، حفظ و نگهداری، تعلیم و تربیت، تولید و توزیع و مصرف خانواده را از وظایف اصلی خود می دانستند و رفته رفته بر اثر پیشرفت هایی که نصیب انسان شد سازمان خانواده بر اساس رشد آگاهی ها و گسترش نیاز ها تکامل بیشتری پیدا کرد اگر چه در اصول مسائل چندان اتفاقی رخ نداده است.

از دیگر نهاد ها و سازمان های اجتماعی که عمری بس طولانی دارد و شاید از نظر قدمت چندان فاصله ای با سازمان خانواده نداشته باشد سازمان حکومت است بشر در آغاز

۱. صفار، محمد جواد، شخصیت حقوقی، تهران، نشر دانا، ۱۳۷۳، ص ۸۲.

۲. ساکت، محمد حسین، دیباچه ای بر دانش حقوق، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۷، ص ۸۸.

زندگی احساس نمود که نیاز به تشکیلاتی دارد که به واسطه آن جلو تجاوزها و تداخلات خصمانه گرفته شود.

در بینش ادیان آسمانی حتی زندگی بشر نخستین هر چند از سادگی بسیار برخوردار بوده ولی از همان آغاز با ارشاد خداوند متعال حکومت و مدیریت به دست انبیاء علیهم السلام سپرده شد.

امروزه که زندگی و آگاهی بشر توسعه یافته است و نیازهای گوناگون انسانی سازمانهای متنوعی را می طلبد بر اهمیت سازمان فزون گشته تا جایی که دنیای پیشرفته ما انواع و اقسام سازمانها را برای اداره امور زندگی خود به وجود آورده است. در این راستا تعاریف متنوعی از سازمان و ماهیت آن ارائه گردیده، ادگار شاین می گوید:

«سازمان عبارتست از وجود هماهنگی معقول در فعالیت گروهی از افراد، برای نیل به یک هدف با منظور مشترک از طریق تقسیم کار و وظایف و از مجرای سلسله مراتب اختیار و مسئولیت قانونی.»^۱

و برخی دیگر سازمان را با این عبارت تعریف نموده اند:

«عمل طبقه بندی وظایف، تفویض اختیار، و تثبیت مسئولیت برای اجرای وظایف، و تعیین روابط به منظور همکاری موثر در انجام هدف های سازمان.»^۲

در فرهنگ اسلامی که فرهنگ نظم و انتظام است به سازمان و سازماندهی با دیدی عمیق نگریده می شود، تقسیم کار، حدود وظایف، جلوگیری از تداخل امور، اختیار و آزادی در محدوده مسئولیت، همه از مسائلی هستند که برای دستیابی به سعادت و سیادت،

۱. مقدس، جلال و صادق پور، ابوالفضل، نظریه جدید سازمان مدیریت و علم مدیریت، تهران، نشر فروردین، ۱۳۶۶، ص ۶۷.

۲. اقتداری، علی محمد، سازمان مدیریت، بی جا، ۱۳۶۳، ص ۱۰۵.

در نظام اسلامی از ضروریات زندگی به شمار می رود، و این امور تنها با تعریف شخصیت حقوقی برای سازمانها به کمال می رسد و قابلیت اجرای صحیح را دارد.

امیر المومنین^۷ در عهد نامه معروف مالک اشتر جامعه را دارای طبقات اجتماعی مختلف می داند و هر یک از آنها را بر اساس نوع کار و چگونگی مسئولیتشان دسته بندی نموده و برای هر یک شخصیت حقوقی در نظر گرفته و با بیان روشن، وظایف و تاثیری که بر دیگر قشرها می گذارند و از دیگر قشرها می پذیرند تحت سازمانی مستق گرد آورده است و به نماینده خود در مصر تاکید می کند تا منزلت و جایگاه و وظایف هر سازمان را به همانند یک شخص البته از نوع حقوقی بشناسد و بهای مناسب را در راستای حفظ و تقویت آن پردازد.

«و اعلم ان الرعية طبقات لا يصلح بعضها الا ببعض ولا غنى ببعضها عن بعض»^۱

ای مالک! بدانکه جامعه تحت نظارت تو به طبقات مختلفی تقسیم شده اند و کار هیچ گروهی جز با گروه دیگر به کمال نمی رسد و هیچ دسته ای از دسته دیگر بی نیاز نیست.

با این تفاسیل، همانگونه که اشخاص حقیقی در اجتماع و از منظر اسلام دارای احکامی برای تنظیم ارتباطات فیما بین هستند سازمانها نیز از این قاعده به عنوان اشخاص حقوقی مستثنی نیستند و اسلام به عنوان کاملترین دین و کاملترین نظام ارزشی در میان سایر نظام های ارزشی نسبت به شخصیت حقوقی سازمانها و احکام مربوط به آنها بی تفاوت نبوده است. یکی از راهها و شیوه های اساسی برای شناخت موضع اسلام در قبال هر مساله ای در زمان غیبت امام معصوم^۷ بررسی آراء و نظرات متخصصین و اهل خبره و دین شناسان است که همان مراجعه به فقها و آراء شان در همان باب است، البته ناگفته نماند؛ در باب مساله شخصیت حقوقی سازمانها از آنجهت که بواسطه حکومتها برای ارائه خدمات اجتماعی به وجود آمده اند می بایست موقف حکومت اسلامی و قوانین آن

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

را در باب سازمان ها و شخصیت حقوقی آنها مورد بررسی قرار داد که در این نوشتار سعی شده تا احکام شخصیت حقوقی سازمان ها هم به لحاظ فقهی به ویژه بر اساس فتاوی علماء امامیه خاصه امام خمینی^۱ مقام معظم رهبری مدظله العالی و هم به لحاظ حکومتی (اسلامی) مورد بررسی قرار گیرد.

ضرورت تحقیق:

همانگونه که پیداست، اشخاص به دو صورت موجودیت پیدا می کنند، یکی به صورت طبیعی مانند افراد انسان که متولد می شوند و زندگی می کنند و می میرند که این گونه افراد اشخاص حقیقی نامیده می شوند. نوع دیگر به صورت اعتباری یا حقوقی وجود می یابند. بدین معنا که مردم برای عنوانی که اعتبار کرده اند، اگر چه در خارج ذهن وجود طبیعی نداشته باشد شخصیت قائل می شوند که این نوع شخصیت را با وصف حقوقی بیان می کنند. یکی از مصادیقی که در عصر حاضر بسیار خود نمایی نموده و در علوم انسانی و سیستم مدیریتی جدید نقش قابل توجه و پررنگی را ایفا می کند شخصیت های حقوقی هستند. در واقع هرچند در صدر اسلام نیز مصادیق محدودی از شخصیت های حقوقی وجود داشت، اما نمی توان این واقعیت را انکار نمود که نقش شخصیت های حقوقی در مدیریت امروزی بسیار گسترده تر از گذشته می باشد. اهمیت این امر در نظام اداری و سیستم مدیریتی که در آن انواع روابط انواع شخصیت های حقوقی به صورت ویژه و خاصی دارای اهمیت می باشد. سوالی که ممکن است در این باره به ذهن می رسد این است که آیا شخصیت های حقوقی هم مشمول احکام هستند؟ و در حوزه مدیریتی آیا روابط موجود بین مردم و سازمان ها به عنوان موضوعات جدید مشمول احکام الهی می گردند یا خیر؟.